

۱- مقصود از نخستین نبرد، جنگ ایران و انگلیس در سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۵۷ / ۱۲۲۵-۱۲۲۶ بر سر هرات و دومین کارزار، «جنگ تریاک» در سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۵۸ / ۱۲۲۵-۱۲۲۷ با چین است که به بهانه‌ی جدال میان نمایندگان انگلستان و مقامات چین در کانون اتفاق افتاد. محاصره‌ها که با وقفه‌هایی چند همراه بود تا ژوئن ۱۸۵۸ به درازا انجامید و با عقد عهدنامه‌ی نین‌تسین پایان گرفت.

۲- جنگ روس و عثمانی در سال‌های ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹ از سوی تزار نیکلای اول، امپراتور روسیه، به بهانه‌ی حمایت از مسیحیان یونان که در زیر سلطه‌ی عثمانی به سر می‌بردند، سازمان‌دهی شد. در آغاز نبرد سپاهیان عثمانی که به خوبی مسلح شده و بخشی از آن‌ها به وسیله‌ی کارشناسان نظامی اروپایی تجدید سازمان یافته بودند، در کرانه‌ی رودخانه‌ی دانوب در برابر ارتش ناماده‌ی روسیه دست به مقاومتی نمایان و پرتوان زدند (نبردهای سیلستر، شوملا و ورنای) با این حال حمله‌ی ۱۱ ژوئن ۱۸۲۹ روس‌ها، شیرازی سپاه عثمانی را از هم گسیخت. ترک‌ها به ناچار بر تمامی خواسته‌های روس‌ها گردن نهادند و به امضای عهدنامه‌ی ادیارامیز اندری نوبل تن دادند.

۳- "Cavalry, its History and Tactics" اثر I. E. Nolan
اثر نخستین بار در ۱۸۵۱ به چاپ رسید.

۴- دستاویز بروز جنگ روس و عثمانی (۱۸۰۶-۱۸۱۲) که فرانسه مدام بر آتش آن دامن می‌زد. نقض مفاد عهدنامه‌های پیشین میان دو کشور از سوی عثمانی بود. جنگ که دیرزمانی بدون نتیجه دنبال می‌شد، در ۱۸۱۱ به نفع روسیه تغییر مسیر داد و حاصل آن انعقاد عهدنامه‌ی بخارست میان دو کشور بود.

۵- اشاره‌ی نویسنده به قیام تاپی‌پینگ است. چین در ۱۸۵۱ عرصه‌ی یک جنبش ضد فتودالی بود که به سرعت به یک جنگ دهقانی تغییر ماهیت داد. این قیام که از ایالت کوانگسی واقع در جنوب چین آغاز شده بود به شتاب سرساز ایالات مرکزی را در خود گرفت و دامنه‌ی آن تا بخش میانی و انتهایی رودخانه‌ی یانگ تسه رسید. شورشیان به زودی «پادشاهی آسمانی صلح بزرگ» «تاپی پینگ‌تان هو» را بنا نهادند و شهر نانکن را به پایتختی برگزیدند. تاپی‌پینگ‌ها دست به کشتار فتودال‌های منجو که بر چین استیلا داشتند زدند و مالیات مالکیت‌های اربابی را ملغی ساختند. این جنبش نیز نظیر دیگر قیام‌های دهقانی، به‌ویژه در مشرق‌زمین صبیغه‌ی مذهبی به خود گرفت و حمله به دیرها و روحانیان بودایی را که پشتیبان قدرت سلاطین منجو شمرده می‌شدند در دستور کار خود قرار داد. این قیام که آغازی از نبرد مردم چین علیه فتودالیسم و مهاجمان خارجی بود به لغو شیوه‌ی تولید فتودالی توفیق نیافت. سلطنت آسمانی به زودی طبقه‌ی اشراف و بزرگ‌مالکان خود را پدید آورد که دست در دست طبقات حاکمه‌ی جدید داشتند و این فی‌الحمله یکی از دلایل عمده‌ی زوال جنبش تاپی‌پینگ شمرده می‌شد. مداخلات بی‌برده‌ی انگلستان و ایالات متحده و فرانسه سهمگین‌ترین ضربات را به انقلاب وارد آورد. قدرت‌های خارجی در آغاز، زیر پوشش «بی‌طرفی» به یاری سلطنت منجو برخاستند و در ۱۸۶۴ با بیوسن به نیروهای فتودال چین، ارتشی آرنستند که قیام تاپی‌پینگ‌ها را به کلی درهم شکست.

رودکی و فراروان‌شناسی

امیر دانش‌زاده - تهران

بررسی شعر رودکی از دیدگاه فراروان‌شناسی مقوله‌ی است که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است یا توجه به دامنه‌ی وسیع شخصیت رودکی و مشاهده‌ی عمیق معنا در شعر او بر آن شدم تا با ارائه‌ی شواهدی به جامعیت این شاعر بزرگ در مباحث فراروان‌شناسی اشاره کنم. غم‌سنیزی: همان‌گونه که در مقوله‌ی فراروان‌شناسی تمام دانشمندان پاراسایکولوژیست تلاش می‌کنند تا انسان را از غم برهانند و راه‌های مبارزه با آن را توضیح دهند پدر شعر پارسی رودکی بزرگ در ابیاتی بسیار زیبا با شفافیتی شگفت‌انگیز به مبارزه با غم و راهکارهای از بین بردن آن پرداخته است. او می‌فرماید:

چهار چیز مر آزاده را ز غم بخرد
تن درست و خوی نیک و نام نیک و خرد
رودکی معتقد است رنج یا غم وجود خارجی ندارند و زایدی وجود آدمی است. یعنی به گفته‌ی فراروان‌شناسان زاویه‌ی دید انسان است که جلوه‌های شاد یا غم‌انگیز زندگی را ایجاد می‌کند و رودکی فقط در یک بیت آنچه این دانشمندان در کتاب‌هایی متعدد به کرات گفته‌اند با لطافتی بی‌حد می‌فرماید:

آفریده مردمان مر رنج را
دانشمندی چون دیل کارتگی «لئو باسکالیا» ژوزف مورفی، آنتونی رابینز و بسیاری دیگر در کتاب‌هایشان درباره‌ی انتخاب هم‌نشین و مصاحب مناسب که به شما انرژی دهد و شوق و عشق به زندگی را در وجودتان تقویت کند، سخن بسیار گفته‌اند و در این مقوله‌ی بزرگ پارسی‌گوی ما فرموده است:

با عاشقان نشین و همه عاشقی‌گزین
بها هر که نیست عاشق کم‌گوی و کم‌نشین
رودکی در بحث معاشرت و انتخاب دوست هم‌چنان که دانشمندان بزرگ فراروان‌شناسی بارها به آن پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند که بگویند پدیده‌ی مقایسه اساساً غلط است و هرگز خویش را با دیگران مقایسه نکنند تا دچار افسردگی و غمگینی نشوید می‌فرماید:

در به ز خودی نظر مکن غصه مخور
در کم ز خودی نظر کن و شاد بزی
رودکی معتقد است که زندگی را با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش باید پذیرفت و به شادی سپری کرد؛ در غیر این صورت آدمی بازنده‌ی نبرد زندگی است. رودکی مقام انسانی را بالاتر از آن می‌داند که شایسته‌ی غم خوردن باشد و شأن روح را در خور پذیرایی نگرانی و اندوه نمی‌بیند. او فرموده است:

برای پرورش جسم جان چه رنجه کنم؟
که حیف باشد روح القدس به سگیانی
فراروان‌شناس بر این باور است که برقراری ارتباط با مخاطب نادان و تاثیرگذاری و نفوذ مثبت در او بالاترین هنر ارتباطات است و رودکی همین مفهوم را با ظرافتی زیرکانه در این بیت گنجانده است:

گر بر سر نفس خود امیری مردی
فراروان‌شناسان غالباً به شکر نعمت‌های موجود تاکید ورزیده‌اند و معتقدند که رضایت از وضعیت فعلی آدمی می‌تواند آرامش را برای او فراهم کند تا مطابق آن حال موج عظیمی از نعمت به سویش سرریز گردد. شاهد بسیار زیبایم شعر پرمغز رودکی است:

واجب نبود به کس بر افضال و کرم
روان‌شناسی ارتباطات یا NLP به طریق حیرت‌انگیزی با اشعار رودکی گره خورده در تمام کتاب‌های فراروان‌شناسان معتقدند که شاد زیستن هنر است.

رودکی نیز می‌گوید:

شاد زی با سپاه‌چشمان شاد
که جهان نیست جز فسانه و باد